

پویایی فقه امامیه در مواجهه با مسائل مستحدثه با تأکید بر فرآیند بایسته اجتهاد

زهرا ذکی^۱، سید علی هاشمی^۲

چکیده

امروزه تعداد زیادی از مسائل جدید و نوپدید به وجود آمده که در اصطلاح فقه به آنها مسائل مستحدثه می‌گویند. مکاتب الهی و غیرالهی در مواجهه با این مسائل تلاش می‌کنند تا پاسخی درخور و کارآمد ارائه دهند. فقه شیعه نیز با بهره‌گیری از گونه‌ای خاص از عقل‌ورزی به نام اجتهاد سعی دارد پاسخ مناسب و شایسته‌ای به این مسائل ارائه کند. مقاله حاضر پس از بررسی ماهیت مسائل مستحدثه در عصر غیبت به واکاوی مختصات و ویژگی‌های فرآیند اجتهاد در این مکتب الهی می‌پردازد و نشان می‌دهد که فقه شیعه مبتنی بر گونه‌ای خاص از عقل‌ورزی یعنی، اجتهاد علی‌الاصول حائز گونه‌ای پویایی است که امکان مواجهه فعال و بایسته با مسائل مستحدثه را برای آن برخلاف مکاتب دیگر فراهم می‌کند. نوشتار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی در محدوده فقه و بالاستفاده از منابع معتبر کتابخانه‌ای گردآوری شده است. هدف از نگارش نوشتار حاضر بررسی پویایی فقه امامیه در مواجهه با مسئله مستحدثه با تأکید بر فرآیند بایسته اجتهاد و آگاه‌سازی نخبگان علمی نسبت به این موضوع است.

واژگان کلیدی: پویایی فقه شیعه، مسائل مستحدثه، عصر غیبت، بایسته اجتهاد.

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد فقه خانواده، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: zaki.zahra1367@gmail.com

۲. دانش آموخته دکتری فلسفه علم و فناوری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران، پژوهشگر حوزه علمیه قم، قم، ایران.

Email: danesh8n@gmail.com

۱. مقدمه

بشر امروز با تعداد زیادی از مسائل جدید و نوپدید که با تأثیر از تحولات علمی و تکنولوژی پایه عرصه وجود نهاده‌اند، مواجه است. مکاتب مختلف الهی و غیرالهی درصدد مدیریت و ساماندهی این مسائل جدید هستند. هریک از این مکاتب باروش و اسلوب مختص خود به این امر اقدام کرده و سعی دارند بشر امروز را در مواجهه با این مسائل به شیوه صلاح و سداد رهنمون باشند، اما هرکدام از این مکاتب در این امر به میزان خاصی صاحب توفیق هستند که به منابع دانشی ایشان و روش به کارگیری از این منابع بازمی‌گردد. فقه شیعه با بهره‌گیری از گونه‌ای خاص از عقل‌ورزی بانام اجتهاد، ظرفیت ویژه‌ای دارد که امکان پاسخ‌گویی بایسته به این مسائل را در خود برخلاف مکاتب دیگر تمهید می‌کند.

مقاله حاضر به واکاوی فقه شیعه مبتنی بر فرآیند اجتهاد می‌پردازد تا از این راه امکانات فقه شیعه در مواجهه با مسائل مستحدثه بیش از پیش نمایان شود. مدعای تحقیق حاضر این است که فقه امامیه با بهره‌گیری از گونه‌ای عقل‌ورزی و اجتهاد، حائز ویژگی‌هایی خواهد بود که می‌تواند برخلاف بسیاری از مکاتب دینی و غیردینی از برخورد منفعلانه با تغییرات و دگرگونی‌های شرایط اوضاع و احوال جهان اجتناب کرده و با رویکردی فعالانه و پویا به مدیریت این دگرگونی‌ها باهدف نیل به سعادت دنیوی و اخروی بشر امروز اقدام کند. درباره پویایی فقه شیعه و مسائل مستحدثه کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های بسیاری نوشته شده است، اما تلفیق این دو موضوع درکنار بایسته‌های اجتهاد، امری به روز و نو است که نوشتار حاضر درصدد بررسی موضوع مذکور و ایجاد آگاهی به نجبگان و محققین است.

۲. مختصات مکتب و مذهب شیعه

علما و بزرگان مذهب شیعه براساس روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إنا العلم ثلاثة: آية محكمة أو فريضة عادلة، أو سنة قائمة و ما خلاهنّ فهو فضل» (کلینی، ۱۴۱۴، ۳۲/۱) مذهب تشیع را به سه بخش: اصول عقاید، اخلاق و فقه یا احکام تقسیم می‌کنند. براساس تعریفی که ایشان از دین ارائه می‌دهد دین عبارت است از مجموعه

معارف نظری و عقیدتی، احکام و قوانین عملی و دستورات اخلاقی در ابعاد گوناگون فردی و اجتماعی، سازگار با عقل و فطرت انسانی که ازسوی خداوند یکتا توسط پیامبران برای هدایت همه جانبه مادی و معنوی بشر فرستاده شده است و در صورت پیاده شدن به طور کامل، سعادت و رستگاری دنیوی و اخروی انسان را تأمین می‌کند». آنچه در بخش اصول عقاید به آن تأکید می‌شود مربوط به ساحت ذهن و اندیشه انسانی است که مکلف می‌بایست با تحقیق و از روی دلیل به اصول دین یقین پیدا کند. در بخش اخلاق به ساحت نفس و احساس انسان می‌پردازد و سعی می‌کند آموزه‌هایی در ارتباط با پرورش روح و سلامت روان انسان ارائه دهد تا بدین ترتیب فضائل اخلاقی مانند عدالت، سخاوت، شجاعت و... در نهاد انسان جاگیر شده و رذائل اخلاقی مانند حسد، بخل، نفاق و... از نهاد او طرد شود. در بخش فقه یا احکام به اعمال جوارحی انسان توجه می‌شود به گونه‌ای که اعمال انسانی -چه فردی و چه اجتماعی- در راستای تحقق سعادت دنیا و آخرت او قرار گیرد (فلاح‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۸). در پژوهش حاضر بخش فقه یا احکام مذهب شیعه مورد توجه است و اینکه این فقه چگونه با بهره‌گیری از گونه‌ای عقل‌گرایی موسوم به اجتهاد می‌تواند در دوران غیبت، تکلیف پیروان خود را در مواجهه با مسائل مستحدثه روشن کند.

۳. فقه امامیه در دوران غیبت و ظهور مسائل مستحدثه

منابع استنباط احکام در فقه شیعه عبارتند از: قرآن، سنت، عقل و اجماع. قرآن مجموعه وحی الهی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و به خواست خداوند بدون هیچ نقص و اضافه به دست رسیده و اولین و بهترین ملاک عمل و منبع استنباط احکام است. سنت و سیره ائمه علیهم السلام به حجت بودن قول، فعل و تقریر حضرات معصومین علیهم السلام اشاره دارد و اگر فقها برای حکمی از احکام، دلیلی از قرآن و سنت نیابند سراغ منبع عقل یعنی، آنچه عقل بشری حکم می‌کند، خواهند رفت و یا اینکه از اجماع فقهای شیعه متقدم که کاشف از سیره ائمه معصومین است حکم شرعی را به دست می‌آورند. (فلاح‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۲۳). شرایط برای فقه شیعه در دوران غیبت

به گونه ای است که باعث می شود عقل گرایی و منبع عقل، نقش بیشتری در فرآیند استنباط احکام پیدا کنند؛ زیرا اول، امکان دسترسی به حضرات معصومین علیهم السلام برای پاسخ گویی به مسائل فقهی وجود ندارد؛ دوم، موضوعات و مسائل مستحدثه و جدیدی در این دوران پیش آمد کرده اند که نمی توان براساس سه منبع قرآن، سنت و اجماع به آنها پاسخی داد؛ سوم، خود ائمه معصومین علیهم السلام مسئولیت پاسخ گویی به مسائل مستحدثه در دوران غیبت را بر دوش فقها و علمای شیعه نهاده اند (حرعاملی، ۱۳۷۸، ۱۴۰/۲۷). در چنین شرایطی فرد با وزن یافتن منبع عقل در پاسخ گویی به مسائل فقهی مستحدثه مواجه خواهد بود. درواقع فرآیند اجتهاد در فقه شیعه به گونه ای خاص از عقل ورزی اشاره دارد که فقها و علمای شیعه می توانند براساس آن پاسخ گوی احکام شرعی جدید یا همان مسائل مستحدثه باشند.

۴. مسائل مستحدثه و انواع آن

زندگی بشر همواره در حال دگرگونی و تغییر بوده است، اما در دهه های اخیر این دگرگونی های بی سابقه در بسیاری از ابعاد زندگی بشر ورود پیدا کرده و ماهیت و شکل زندگی انسان را به گونه ای دیگر متعین کرده است. درپی این تحولات و دگرگونی های شگرف و شتابزده، گستره وسیعی از مسائل مستحدثه و جدید است که فقها می بایست در برابر آنها موضعی مناسب اتخاذ کنند. هیچ فقیهی نمی تواند ادعا کند که موضعی در مورد فلان مسئله اتخاذ نمی کند؛ زیرا این ادعای او نشان گر موضع وی در آن مسئله است و نسبت به این موضع گیری باید در پیشگاه پروردگار عالمیان و وجدان خود و همچنین نزد مردم پاسخ گو باشد. علاوه بر این موضع او در جامعه پیامدهای عملی خودش را به همراه خواهد داشت و باید تکلیف شرعی این مسائل برای مکلفین معلوم شود؛ زیرا مکلفین و مقلدین از ایشان نسبت به مسائل مستحدثه پاسخ می خواهند و فقیه نمی تواند و نباید مکلفین را در مورد مسئله ای بلامتکلیف و سردرگم رها کند. بنابراین، مسائل مستحدثه در اصطلاح فقها به مسائل نوظهوری اشاره دارد که پیشینه و سابقه ای نداشته و در نصوص و متون دینی سخنی از آنها نیست و درنتیجه حکم شرعی درباره

آنها وجود ندارد. علاوه بر این به موضوعاتی اشاره دارد که از قبل وجود داشته و حکم شرعی برای آنها صادر شده است، اما با دگرگون شدن بافت و شرایط تاریخی-اجتماعی و تغییر برخی از صفات این موضوعات، حکم شرعی دیگری برای آنها انتظار می‌رود. بدین ترتیب دو نوع مسئله مستحدثه وجود دارد: نوع اول، موضوعاتی مانند پیوند اعضا، تغییر جنسیت، تلقیح مصنوعی، اسکناس و معاملات بانکی و انبوهی از مسائل فضای مجازی (شبکه‌های اجتماعی و...) هستند که از قبل وجود نداشته‌اند و هم‌اکنون خواهان حکم شرعی هستند؛ نوع دوم، موضوعاتی مانند خون، شطرنج، مجسمه‌سازی، معادن، انفال و... هستند که قبلاً موجود بوده و بالتبع حکم هم داشته‌اند، ولی با تغییر شرایط زمانی-مکانی و بافت تاریخی-اجتماعی جامعه به موضوع جدیدی مبدل شده و نیازمند حکم جدیدی هستند (باقرزاده مشکی باف، ۱۳۸۴، ص ۵۰).

فقه امامیه و شیعی در دوران غیبت متکی بر منبع عقل و به مدد گونه‌ای از عقل‌ورزی که آن را اجتهاد می‌نامد این توانمندی و توانایی را در خود می‌بیند که با موضوعات مستحدثه و جدید برخوردی منفعلانه نداشته باشد، بلکه با رویکردی فعالانه به استقبال مسائل جدید رفته و هیچ‌گونه نگرانی از مواجهه با این‌گونه مسائل را به دل راه نمی‌دهد؛ زیرا ابزار لازم برای برخوردی پویا و متناسب با زمان را در دست دارد.

۵. ویژگی‌های عقل‌ورزی در فقه امامیه

تکیه و تأکید فزون‌تر بر منبع عقل در کنار دیگر منابع و گونه‌ای از عقل‌ورزی در فقه مذهب شیعه، ویژگی‌های منحصربه‌فردی برای این مکتب دینی-فکری در مواجهه با مسائل مستحدثه فراهم می‌کند که در نتیجه‌ی آن، این مکتب فقهی از انعطاف‌پذیری قابل ملاحظه‌ای در برخورد با مسائل مستحدثه بهره‌مند می‌شود.

۵-۱. توجه به شرایط تاریخی-اجتماعی

مهمترین ویژگی اجتهاد در فقه امامیه که بسیاری از ویژگی‌های دیگر این نوع از عقل‌ورزی به آن وابسته است توجه به شرایط تاریخی-اجتماعی-انضمامی احکام است. در فقه شیعه،

احکام باتوجه به شرایط زمانی-مکانی خاصی صادر شده‌اند و این امر باعث می‌شود که برخی از صفات ظاهری و یا باطنی موضوع احکام که مقوم حکم و یا اثرگذار در حکم هستند با تحولات و دگرگونی‌های تاریخی-اجتماعی تغییر کنند و باعث عوض شدن حکم شوند. ازطرفی حضرات معصومین همواره انسان را به آگاهی و شناخت از شرایط زمانی-مکانی و اقتضائات حاکم بر جامعه دعوت کرده‌اند: «العالم بزمانه لاتهجم علیه اللوابس؛ شخصی که به زمان خویش آگاه باشد، اشتباهات او را مورد هجوم قرار نمی‌دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۱/۳۰۷). در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «حسب المرء من عرفانه علمه بزمانه؛ در معرفت انسان همین بس که به زمانش آشنا باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۸/۸۰).

توجه به شرایط زمانی-مکانی در فقه در سیره ائمه معصومین نیز به‌روشنی قابل مشاهده است. نمونه بارز آن، روایت معروف از امیرالمؤمنین علیه السلام است که وقتی در مورد حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله از ایشان سؤال شد که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده بود: «غیرو الشیب و لاتشبهوا بالیهود؛ پیری را تغییر دهید و به یهودیان شبیه نشوید»؛ یعنی موی سر و لویه خود را خضاب کنید حضرت علی علیه السلام در پاسخ فرمود: «انما قال صلی الله علیه و آله ذلک و الدین قل فاما الآن فقد اتسع نطاقه و ضرب بجرانه فأمرؤ و ما اختار». حضرت رسول صلی الله علیه و آله این حدیث را در شرایطی فرمود که دین‌داران کم بودند، اما در این شرایط که قلمرو دین گسترش یافته و نظام و حکومتی استقرار یافته است آن حکم اجرا نمی‌شود و مردم می‌توانند براساس سلیقه خود رفتار کنند (سیدرضی، ۱۳۸۵، ص ۴۴۶ در این روایت، امام علیه السلام با درنظر گرفتن شرایط سیاسی-نظامی حاکم بر عصر صدور روایت پیامبر صلی الله علیه و آله این حکم را مقید به آن شرایط خاص دانست و ابراز داشت که با عوض شدن این شرایط، حکم نیز تغییر می‌کند. توضیح آنکه درهنگام صدور این روایت توسط پیامبر صلی الله علیه و آله خضاب کردن موی سر و لویه، تاکتیکی نظامی-دفاعی برای تقویت روحیه مسلمین و تضعیف روحیه دشمنان ضروری بود تا بدین ترتیب از این راهکار برای بازدارندگی از حمله احتمالی دشمنان استفاده شود. شاگردان ائمه معصومین نیز هنگام مواجهه با مسائل مستحدثه به بافت تاریخی-اجتماعی آن توجه داشته و در فرآیند اجتهاد خود آن را لحاظ می‌کنند. از فقه‌های

متأخر که بر این نکته عنایت خاصی داشت حضرت امام خمینی رحمته الله علیه بود. ایشان در پاسخ به استفتائی که پرسیده بود: «اگر شطرنج آلات قمار بودن خود را به طور کلی ازدست داده باشد و چون امروز تنها به عنوان یک ورزش فکری از آن استفاده می‌گردد بازی با آن چه صورتی دارد» چنین پاسخ داد: «به فرض مذکور اگر برد و باختی در بین نباشد، اشکالی ندارد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۲، ۱۰/۲). امام رحمته الله علیه صدور حکم حرمت شطرنج را منوط به شرایط تاریخی- اجتماعی خاصی می‌داند که در آن شطرنج از آلات مخصوصه قمار محسوب می‌شده است، اما فی الحال که عرف و نگاه جامعه تغییر کرده و دیگر شطرنج این وصف را ندارد حکم آن نیز تغییر می‌کند. این پاسخ امام رحمته الله علیه با عکس العمل یکی از فقها مواجه شد و ایشان طی نامه‌ای اشکالی را مطرح کرد و امام نیز در مقام پاسخ مطالب مفیدی را مطرح کرد و این طور به نظر می‌رسد که توجه به این پرسش و پاسخ می‌تواند در روشن‌تر شدن بحث حاضر نیز راهگشا باشد. متن اشکال این است: «سائل محترم از کجا ادعا می‌کند که امروز شطرنج آلت قمار بودن خود را به کلی ازدست داده است و تنها ورزش فکری شده است». در روایت معتبره از سکونی از امام صادق علیه السلام آمده است: «قال عليه السلام: قال رسول الله ﷺ أنهما کم عن الزفن والمزمار و عن الکوبات و الکبرات و قال عليه السلام نهی رسول الله ﷺ عن اللعب بالشطرنج و الزور». «هر دو دلیل اطلاق دارد. بنابراین، استفاده می‌کنیم بازی با شطرنج حرام است؛ چه آلت قمار را ازدست بدهد یا نه و دعوی انصراف، منشأ صحیحی می‌خواهد که به نظر نمی‌رسد و آنچه ممکن است گفته شود مثل غلبه یا آلیت در آن زمان، منشأ صحیحی ندارد و در حد خود فحص کرده و حجتی برخلاف اطلاق مزبور نیافتم» (قدیری، ۱۳۶۷، ص ۱۰).

امام در پاسخ به این اشکال نوشت: «بنابر نوشته جنابعالی زکات تنها برای مصارف فقرا و سایر اموری که ذکرش رفته است و اکنون که مصارف به صدها مقابل آن رسیده است، راهی نیست و رهان در سبق و رمایه مختص به تیرکمان و اسب‌دوانی و امثال آن که در جنگ‌های سابق به کار گرفته می‌شده است و امروز هم تنها در همان موارد است و انفال که بر شیعیان تحلیل شده است امروز هم شیعیان می‌توانند بدون هیچ مانعی با ماشین‌های کذایی جنگل‌ها

را از بین ببرند و آنچه را که باعث حفظ و سلامت محیط زیست است، نابود کنند و جان میلیون‌ها انسان را به خطر بیندازند و هیچ‌کس هم حق نداشته باشد مانع آنها باشد، منازل و مساجدی که در خیابان‌کشی‌ها برای حل معضل ترافیک و حفظ جان هزاران نفر مورد احتیاج است نباید تخریب گردد و امثال آن و بالجمله آن‌گونه که جنابعالی از اخبار و روایات برداشت دارید تمدن جدید به کلی باید از بین برود و مردم کوخ‌نشین بوده و یا برای همیشه در صحراها زندگی نمایند». (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۳۴/۲۱). باتوجه به این ایراد و پاسخ به وضوح می‌توان محل نزاع را در گونه عقل‌ورزی آنها در فرآیند اجتهاد صورت‌بندی کرد. درواقع فرد اشکال‌کننده موضوعات احکام را فرازمانی-مکانی دانسته و آنها را در بستر تاریخی-اجتماعی آنها فهم نمی‌کند و درمقابل امام رحمته‌الله علیه بر این امر تکیه و تأکید دارند که موضوعات احکام نسبت به بستر تاریخی-اجتماعی خود لاقتضا نبوده و از آنها تأثیر می‌پذیرد.

۵-۲. کل‌گرایی در سطح اجتماع

از دیگر ویژگی‌های اجتهاد در نظام فقهی شیعه که از نتایج ویژگی قبل است کل‌گرایی است. آموزه کل‌گرایی در فقه شیعه این مطلب را گوشزد می‌کند که فقیه همواره در شرایطی از اوضاع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، تکنولوژیک، نظامی-دفاعی و... به اجتهاد و عقل‌ورزی می‌پردازد. او می‌بایست در یک نگاه کل‌گرایانه به این بافت و زمینه توجه داشته باشد و احکام را صادر کند. امام خمینی رحمته‌الله علیه در این مورد می‌فرماید: «زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند. بدان معنی که با شناخت دقیق روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۹۸/۲۱). آنچه از فحوای کلام امام رحمته‌الله علیه فهم می‌شود این است که موضوعات احکام در یک نظام

کل‌گرایانه از روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی-دفاعی و... تکون یافته و متعین می‌شود. به عبارت دیگر، موضوع در این نظام کل‌گرایانه موضوع است و هرگونه تغییر در این کل که باعث تغییر مقومات موضوع شود موضوع جدیدی را پدید خواهد آورد که بالتبع نیازمند حکم جدیدی است.

شایان ذکر است که در مکتب فقهی شیعه، یک کل‌گرایی سراسری که باعث نسبی‌گرایی و هرج و مرج در احکام شود، وجود ندارد. به عبارتی در فقه شیعه هر تغییری در شرایط تاریخی-اجتماعی امکان تبدیل شدن موضوع به یک موضوع مستحدثه را فراهم نمی‌کند و در نتیجه باعث تغییر در حکم نمی‌شود. علت این امر این است که از میان انبوه شرایط تاریخی-اجتماعی حاکم بر جامعه تنها عده معدودی از آنها مقوم موضوع یک حکم هستند که با تغییر این شرایط، موضوع به موضوع جدیدی تبدیل شده و نیازمند حکم جدیدی است.

۵-۳. توجه به جهان‌بینی علمی

ویژگی دیگر عقل‌ورزی در مکتب فقهی شیعه که از نتایج دو ویژگی قبل است توجه به جهان‌بینی علمی است. فقها اگرچه نتایج علوم تجربی را ظنی دانسته و آن را مفید یقین نمی‌دانند، ولی از این دستاورد بشری در حد همان دلالت ظنی‌اش بهره می‌گیرند. به عبارت دیگر در عقل‌ورزی کل‌گرایانه فقه امامیه توجه به جهان‌بینی علمی نقش بسیار پررنگی بازی می‌کند؛ زیرا سرعت تحولات و دگرگونی‌های علوم و گسترش بی‌حد و حصر آن در حوزه‌ها و عرصه‌های مختلف شرایط بسیار متفاوتی را برای جهان امروز رقم زده است و این امر باعث شده که از طرفی تعداد زیادی از موضوعات بی‌سابقه و بی‌پیشینه پا به عرصه وجود نهند و از طرف دیگر، این دگرگونی‌ها در جهان‌بینی علمی بسیاری از موضوعات باسابقه را نیز به موضوع جدید و مستحدثه مبدل می‌کنند.

شهید مطهری در مورد نظام کل‌گرایانه فقه امامیه و لزوم آشنایی فقها به جهان‌بینی علمی می‌نویسد: «فقیه و مجتهد کارش استنباط و استخراج احکام است، اما اطلاع و احاطه او بر

موضوعات و به اصطلاح طرز جهان بینی در فتوایش زیاد تأثیر دارد. اگر کسی فتواهای فقها را با یکدیگر مقایسه کند و ضمناً به احوال شخصیه و طرز تفکر آنها در مسائل زندگی توجه کند، می بیند که چگونه سوابق ذهنی یک فقیه و اطلاعات خارجی او از دنیای خارج در فتواهایش تأثیر داشته به طوری که فتوای عرب بوی عرب و فتوای عجم بوی عجم، فتوای دهاتی بوی دهاتی می دهد و فتوای شهری بوی شهری. این دین، دین خاتم است و اختصاص به زمان معین و یا منطقه معین ندارد. مربوط به همه منطقه ها و همه زمان هاست. دینی است که برای نظام زندگی پیشرفت زندگی بشر آمده. پس چگونه ممکن است فقهی از نظامات و جریان طبیعی بی خبر باشد، به تکامل و پیشرفت زندگی ایمان نداشته باشد و آن گاه بتواند دستورهای عالی و مرقی دین حنیف را که برای همین نظامات آمده و ضامن هدایت این جریان ها و تحولات و پیشرفت هاست کاملاً به طور صحیح استنباط کند». (مطهری، ۱۳۴۱، ص ۱۲۱)

لازم به ذکر است که فقها همواره به این نکته متفطن بوده اند که جهان بینی علمی در قالب یک دستاورد بشری، امری متحول در زمان است و دلالت آن به جهان واقع تنها یک دلالت ظنی است و مفید یقین نخواهد بود، اما باین وجود ابراز می دارند که جهان بینی علمی باید در حد دلالت ظنی اش در فرآیند اجتهاد مورد توجه قرار گیرد. بدین ترتیب بخشی از احکام همواره احکام موقت و زمانمند هستند که با تغییر جهان بینی علمی تغییر خواهند کرد. نمونه بارز تأثیر جهان بینی علمی در فرآیند عقل ورزی و اجتهاد فقه های شیعه، مسئله خرید و فروش خون است که حکم اولیه آن حرمت بوده است، اما با پیشرفت های دانش پزشکی و تغییر جهان بینی علمی یکی از صفات باطنی موضوع (یعنی خون) که نداشتن منفعت محله است، تغییر کرده و بالتبع نیز حکم عوض شده است؛ زیرا امروزه با تزریق خون، جان بسیاری از انسان ها حفظ می شود و بدین ترتیب خون بالاترین منفعت محله را دارد. امام خمینی رحمته الله علیه در مکاسب محرمه اش در این مورد می نویسد: «و الاظهر فیه جواز الانتفاع به فی غیر اکل و جواز بیعه لذلک فإن وردت فیه من الآیة و الروایة لاتدل علی حرمة الانتفاع مطلقاً مع أنه لم یکن فی تلك الاعصار للدم نفع غیر الأکل فالتحریم منصرف الیه؛ اظهر در خون آن است که به غیر از

خوردن می‌توان از آن استفاده کرد و فروختن آن به این دلیل نیز جایز است و آنچه در آیه و روایت آمده بر حرمت مطلق استفاده از خون دلالت نمی‌کند؛ زیرا برای خون در زمان نزول و صدور آیات و روایات استفاده‌ای به غیر از خوردن وجود نداشت، پس حکم حرمت خرید و فروش خون مطلق نیست و منصرف به استفاده حرام است» (موسوی خمینی، ۱۴۱۵، ۵۷/۱).

۴-۵. بهره‌گیری از تمام منابع شناخت

در مکتب فکری-دینی تشیع به تمام منابع شناخت یعنی، نقل، عقل، شهود و تجربه با در نظر گرفتن میزان حکایت‌گری و چگونگی دلالت این منابع به جهان واقع در یک نظام کل‌گرایانه توجه می‌شود و معرفت و جهان‌بینی دینی در این مکتب فکری این‌گونه شکل می‌گیرد. توجه به بهره‌گیری از تمام منابع شناخت شیعه باعث شده است که جهان‌بینی این مکتب دینی-فکری، ویژگی‌های منحصربه‌فردی داشته باشد. برای نمونه این مکتب با کنار یکدیگر قراردادن منابع شناخت و توجه به قلمرو هریک از آنها جهان‌بینی جامع‌تر و کامل‌تری را ارائه می‌کند به گونه‌ای که با بهره‌گیری از منبع وحی می‌تواند پاسخ سؤالاتی مانند زندگی قبل از دنیا، چگونگی خلقت بشر، جایگاه انسان در نظام هستی، زندگی بعد از دنیا، سنت‌ها و قوانین حاکم بر جهان هستی و... را بدهد که از دسترس دیگر منابع شناخت خارج است.

این مکتب، منبع عقل، شهود و تجربه را نیز برحسب میزان واقع‌نمایی و در قلمرو خودش گرامی می‌دارد و در یک نظام کل‌گرایانه و منسجم سعی دارد با بهره‌گیری از تمام منابع شناخت به بیشترین شناخت ممکن از جهان هستی دست یابد. فقها در زمان ارائه احکام از جهان‌بینی خود متأثر هستند. شهید مطهری می‌نویسد: «فقیه و مجتهد کارش استنباط و استخراج احکام است، اما اطلاع و احاطه او بر موضوعات و به اصطلاح طرز جهان‌بینی در فتوایش زیاد تأثیر دارد» (مطهری، ۱۳۴۱، ص ۱۲۱). کمال در جهان‌بینی به فقهای شیعه کمک می‌کند که مبتنی بر جهان‌بینی جامع‌تر و کامل‌تری مسائل و موضوعات را بهتر درک و سعی کنند حکم موضوعات را در راستای سعادت دنیا و آخرت مکلفین استنباط کنند.

۵-۵. گونه‌ای عقل‌ورزی مقید و منور به وحی الهی

در مکتب فقهی شیعه، گستره عقل‌ورزی محدود و مقید به اطرافی است و همواره از نیروی نقل و وحی در قالب منبعی اصلی بهره می‌گیرد. موضع عقل‌ورزی در مکتب فقهی شیعه درجایی که نص قطعی است تنها منقاد شدن و سرسپردن است. در منظومه فقه شیعی سعی می‌شود که به صورت کل گرایانه از همه منابع شناخت یعنی، نقل، عقل، تجربه و شهود به دلیل ارائه جهان بینی متکامل بهره‌گیری شود و در متن و بافت این جهان بینی منسجم و روبه تکامل، احکامی مترقی و متناسب با شرایط زمان و مکان استنباط و استخراج شود. بنابراین، گستره عقل‌ورزی در نظام فقهی شیعی مقید و محدود به یافته‌های دیگر منابع شناخت است و حقانیت و هدایتگری این منابع در قلمرو خاص خود گرامی داشته می‌شود.

۵-۶. توجه به نوعی اخلاق در عقل‌ورزی

عقل‌ورزی در مکتب فقهی شیعه اجتهاد نام دارد. کلمه اجتهاد در لغت از کلمه جُهد گرفته شده است: «بذل الوسع للقيام بعمل ما؛ به کارگیری تمام ظرفیت انسانی برای کاری» (شهید صدر، ۱۴۱۹، ص ۳۱). در اصطلاح فقها به گونه‌ای عقل‌ورزی اشاره دارد که فقیه براساس آن می‌بایست تمام تلاش خود را برای کشف و استخراج احکام شرعی صرف کند به طوری که به قطع و یقین برسد که حکم شرعی این موضوع خاص همین است. برای فقها این قطعی که در فرآیند اجتهاد به دست آمده است، حجیت دارد؛ یعنی دو ویژگی معذرت و منجزیت را دارد. معذرت یعنی، اگر فقیهی تمام تلاش خود را مبذول داشت و حکمی را استنباط کرد و به قطع رسید که حکم همین است و این حکم خلاف نفس الامر و حکم الهی بود او در صدور این حکم معذرت داشته و مورد عقاب الهی قرار نمی‌گیرد. منجزیت یعنی، اگر فقیهی در فرآیند اجتهاد به حکمی قطع پیدا کرد و آن حکم براساس حکم الهی باشد این اجتهاد فقیه، منجزیت یعنی، تکلیف‌آوری دارد و اگر فقیه خلاف این حکم که خودش به قطع رسیده است را صادر کند مستوجب عقاب الهی خواهد بود (شهید صدر، ۱۴۱۹، ص ۴۴). بنابراین، در فرآیند اجتهاد با سازوکاری که دارد به وضوح

نوعی اخلاق در فرآیند اجتهاد و عقل‌ورزی فقه امامیه مشاهده می‌شود که توصیه‌هایی در مورد چگونگی رسیدن به حکم شرعی برای فقها به همراه دارد و توجه ایشان را به زمان‌مند بودن و تاریخی بودن بسیاری از احکام جلب کرده و همواره فقها را به رصد دگرگونی‌های تاریخی-اجتماعی توصیه کرده تا در مواقع لزوم، احکام شرعی متناسب با آن تغییر کند.

۵-۷. ارائه یک برنامه جامع زندگی

از دیگر ویژگی‌های عقل‌ورزی در مکتب فقهی شیعه، ارائه برنامه جامع زندگی برای انسان است. شهید صدر می‌نویسد: «ان الحكم الشرعی هو التشريع الصادر من الله لتنظيم حياة الانسان سواء كان متعلقاً بأفعاله أو بذاته أو بأشیاء أخرى داخله فی حياته؛ همانا حکم شرعی همان قانونی است که از جانب خداوند به دلیل مدیریت حیات انسانی صادر شده است خواه [این قوانین] مربوط به افعال انسان یا خود انسان و یا اشیاء دیگری که در حیات انسانی نقش‌آفرین است، باشد». (شهید صدر، ۱۴۱۹، ص ۳۸) احکام شرعی مترصد مدیریت زندگی بشر در یک چارچوب دینی برای رساندن انسان به سعادت دنیوی و اخروی است. برای این منظور می‌بایست برنامه‌ای جامع ارائه کند که تمام نیازهای فردی-اجتماعی انسان را پاسخ‌گو باشد. بدین ترتیب پای فقه به عرصه‌های گوناگون و امروزی بازمی‌شود و فقه می‌بایست نسبت به مسائلی مانند بحران‌های محیط زیستی، مدیریت شهر و ترافیک آن، مسائل نظامی-امنیتی و... موضع اتخاذ کند و مکلفین خود را در وادی حیرت و بلاتکلیفی رها نکند.

۵-۸. ارائه مدلی خاص از پیشرفت

در فقه امامیه موضوعات احکام را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول موضوعاتی است که متأثر از دگرگونی‌های شرایط تاریخی-اجتماعی حاکم بر جامعه دچار تغییر و تحول نمی‌شوند و حکم آنها در طول زمان‌ها ثابت می‌ماند مانند بخش مهمی از عبادات مانند تعداد رکعت‌ها در نماز صبح و...؛ دسته دوم، موضوعاتی هستند که متأثر از تغییرات شرایط تاریخی-اجتماعی حاکم بر جامعه تحول یافته و به موضوع جدید تبدیل می‌شوند و در انتظار حکم جدید هستند

مانند بخش مهمی از موضوعات در معاملات؛ دسته سوم، مربوط به موضوعاتی است که سابقه و پیشینه‌ای ندارند و در نتیجه حکمی هم ندارند. این موضوعات که در طی زمان وجود یافته، احکامشان نیز در فرآیند اجتهاد استنباط می‌شود مسائلی مانند تغییر جنسیت، پیوند اعضا، تلقیح مصنوعی، اسکناس و معاملات بانکی و... هستند.

در مکتب فقه شیعی، پیشرفت و تحول را می‌توان در این سه دسته از موضوعات احکام به‌گونه‌های متفاوتی مشاهده کرد. در دسته اول، تحولی به‌جز تفصیل یافتن در جزئیات برخی احکام مشاهده نمی‌شود؛ زیرا موضوع و بالتبع آن حکم در طول زمان ثابت می‌ماند. در دسته دوم، تحول موضوعات در بستر شرایط تاریخی-اجتماعی دیده می‌شود که باعث تغییر احکام این موضوعات می‌شود. در این دسته هم تحول در موضوع و هم تحول در حکم را وجود دارد. در دسته سوم، موضوعات جدید و بی‌سابقه‌ای است که در نتیجه آن، موضوع و حکم هردو در شرایط تاریخی-اجتماعی-انضمامی خاصی تکنون یافته و به مجموعه فقه اضافه می‌شود، ولی باید توجه داشت که تحول در فقه امامیه هیچ‌گاه به‌گونه‌ای نیست که ناسخ و منسوخ داشته باشد. شهید مطهری در این مورد می‌نویسد: «آنچه که قطعاً وجود ندارد این است که قانون اسلام نسخ بشود. همان‌طور که وضع قانون اسلامی به‌وسیله ما نبوده است (الهی است) نسخ هم به‌وسیله بشر نمی‌تواند باشد. تغییری که به‌هیچ‌وجه امکان ندارد رخ بدهد، نسخ است» (مطهری، ۱۳۷۰، ۱۴/۲). در فقه امامیه هیچ‌گاه برای یک موضوع دو حکم وجود ندارد و اگر حکم موضوعی در زمان‌های مختلف، تفاوت کرده است این به‌معنای نسخ شدن آن حکم نیست؛ زیرا موضوع در بستر شرایط تاریخی-اجتماعی عوض شده و حکم جدید نسبت به موضوع جدید اعلام شده است و اگر باز هم به آن شرایط مقوم حکم قبلی بازگردد حکم موضوع کمافی السابق خواهد بود.

۵-۹. توجه به جهان بینی تکنولوژیک

جهان امروز به دلیل بهره‌گیری از ابزار آلات و تکنولوژی‌های جدید نسبت به گذشته شرایط دگرگونی دارد. این دگرگونی‌ها به گونه‌ای است که گویی بشر در جهان دیگری زیست می‌کند و سبک زندگی و ماهیت زندگی انسان بسیار تغییر کرده است. فقه شیعه نسبت به تغییرات تکنولوژیک در سطح جهان و یا جهان بینی تکنولوژیک بی تفاوت نبوده است، بلکه همواره سعی دارد این تغییرات را در فرآیند عقل‌ورزی خود لحاظ کرده و احکام را در بافت و زمینه جهان تکنولوژیک امروز استخراج کند. برای نمونه می‌توان به مسئله خون اشاره کرد که در بستر و بافت تکنولوژیک، زمان صدور حکم حرمت خرید و فروش خون در آیات و روایت، امکان هیچ‌گونه بهره‌برداری محلی از خون وجود نداشت، اما اکنون که ابزار و آلات تکنولوژیک امکان بهره‌برداری‌های گوناگون و منفعت‌های محلل متفاوتی را برای بشر امروز فراهم کرده است، حکم حرمت خرید و فروش خون نیز در این موارد تغییر می‌کند. درواقع با تغییر فضای تکنولوژیک این امکان وجود دارد که بسیاری از موضوعات با سابقه نیز به موضوعات مستحدثه و جدید تبدیل شده و حکم آنها نیز تغییر کند.

شهید صدر در کتاب اقتصادنا در بیان تفسیر روایت «ایما قوم أحيوا شيئاً من الارض و عمروها فهم أحق بها و هی لهم؛ هر گروهی که مقداری از زمین را احیا و آباد کند به آن سزاوارتر است و آن زمین از آن آنهاست» (شیخ طوسی، ۱۳۹۰، ۱۵۲/۷) می‌نویسد: «این حکم زمانی صادر شده که توانایی انسان برای به‌زیر کشت درآوردن زمین محدود بود. کشاورز هرچه کوشش می‌کرد بیش از اندازه‌ای معین از زمین را نمی‌توانست، آباد کند. بنابراین، مزاحمتی برای سایرین ایجاد نمی‌شد، اما در عصر حاضر که کشاورز ابزار و آلات کشاورزی بسیار عظیمی را در اختیار گرفته، اگر با همین بیان حکم اجرا شود نظم و عدالت اجتماعی به مخاطره می‌افتد. از اینجا می‌توان گفت حکم اباحه به عصر خاصی اختصاص داشته و در سایر زمان‌ها به صلاح دید ولی امر بستگی دارد» (شهید صدر، ۱۳۷۵، ص ۷۲۵).

بنابراین، ظهور تکنولوژی‌های امروزی در عرصه کشاورزی و تغییر در جهان بینی تکنولوژیک فقیه باعث می‌شود تا موضوع حکم سابق به موضوع جدیدی مبدل شود و انتظار می‌رود حکم دیگری متناسب با بافت تکنولوژیکی جدید صادر شود. پرواضح است که جهان بینی تکنولوژیک فقها در فرآیند اجتهاد و عقل‌ورزی ایشان نقش پررنگی دارد. برای ابزارآلات تکنولوژیک و پیشرفت‌های علم در جهان امروز دو کارکرد مهم می‌توان متصور شد که با این دو کارکرد می‌توانند بر مباحث فقهی و به وجود آمدن مسائل مستحدثه نقش بسزایی ایفا کنند. این دو کاربرد عبارتند از: افزایش شناخت بشری و افزایش قدرت مداخله بشر در نظام طبیعت.

۵-۹-۱. افزایش شناخت بشری

ابزارآلات تکنولوژیک و پیشرفت‌های علم جدید در بسیاری از عرصه‌ها باعث شده تا بشر امروز به اطلاعاتی دست یابد که قبل از این امکان دسترسی به این اطلاعات میسر نبود. برای نمونه اختراع تلسکوپ، میکروسکوپ، دوربین، دستگاه سونوگرافی و... باعث شده است که میزان اطلاعات نسبت به مردمانی که این ابزارآلات را در اختیار نداشته‌اند بسیار متفاوت باشد. این اختراعات و افزایش اطلاعات برای انسان مسائل جدید و مستحدثه‌ای به بار آورده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- آیا به طور کلی اطلاعاتی که توسط این ابزارهای جدید مکشوف می‌شود حجیت فقهی دارد یا می‌توان براساس این اطلاعات حکم کرد یا این اطلاعات نمی‌توانند ملاک احکام شرعی باشند و باید تنها به ابزارهای شناختی که در دوران معصومین علیهم‌السلام مرسوم بوده است، بسنده شود؛

- آیا بهره‌گیری از تلسکوپ برای استهلال هلال ماه مبارک رمضان جایز است و یا باید به چشم غیرمسلح هلال ماه دیده شود؛

- آیا بهره‌گیری از میکروسکوپ برای اثبات نجاست و یا اثبات عدم نجاست یک تکه پارچه جایز است؛

- آیا استفاده از دوربین برای یقین رسیدن به حد ترخص جایز است؛

- آیا استفاده از دستگاه سونوگرافی برای کسب اطلاعات در مورد جنین در رحم مجاز است و آیا اطلاعاتی که از این دستگاه به دست می‌آید حجیت شرعی دارد و می‌توان براساس آن فتوا داد.

این مسائل و هزاران مسئله مستحدثه دیگر که به دلیل افزایش شناخت بشری به مدد پیشرفت‌های علمی-تکنولوژیک انسان امروز محقق شده است همگی نیازمند پاسخ‌هایی درخور و مناسب هستند که به نظر می‌رسد فقه امامیه ابزار لازم برای حل و فصل این مسائل را در اختیار دارد.

۵-۹-۲. افزایش قدرت مداخله در نظام طبیعت

کارکرد مهم دیگر ابزارآلات تکنولوژیک و دستاوردهای علمی برای بشر امروز افزایش قدرت مداخله انسان در نظام طبیعت است. این امکان به انسان امروزی اجازه می‌دهد در بسیاری از حوزه‌ها و عرصه‌ها مداخله کرده و نظام طبیعت را تغییر دهد. برای نمونه بشر امروز با تغییر ژن حیوانات، تغییر در بذرها و گیاهان و حتی شبیه‌سازی انسان سعی می‌کند همه چیز را در راستای اهداف و تمایلات خود تغییر دهد. با این اوصاف فقها با تعداد بی‌شماری مسئله مستحدثه مواجه خواهند بود که باید تکلیف مکلفین را در مورد این مسائل مشخص کنند. همچنین باید سعی کنند این تغییرات و تحولات تکنولوژیک و علمی را برای سعادت دنیوی و اخروی انسان مدیریت کنند که این امر به مدد فرآیند اجتهاد امکان تحقق دارد.

۵-۱۰. داشتن رویکردی انتقادی

در مکتب فقهی شیعه حضور رویکرد نقاد و نگرش انتقادی محسوس است. این ویژگی باعث شده است که این مکتب پویایی خاصی در برخورد با مسائل مستحدثه از خود نشان دهد و در مقابل، تغییرات و دگرگونی‌های زمانه منفعل نباشد. برای نمونه برخی از مکاتب فکری-دینی در مقابل علوم جدید و تکنولوژی‌های مدرن در موضع نفی هستند و به کلی این مقولات را طرد می‌کنند. این برخورد منفعلانه با علوم و تکنولوژی جدید راه به جایی نخواهد برد؛ زیرا علوم و تکنولوژی تمام ساحت‌های زندگی بشری را فتح کرده و از کسی اجازه نمی‌گیرد و طرد علوم و

تکنولوژی جدید غیرممکن است مگر اینکه این افراد صحرانشین شده و به کوه‌ها پناه ببرند. ازطرفی برخی مکاتب دیگر، علوم و تکنولوژی جدید را دربست پذیرفته و به‌گونه‌ای دیگر منفعل هستند و نمی‌توانند برای مشکلات و پیامدهای ناگواری مانند بحران‌های زیست‌محیطی و برخی بیماری‌های مرگبار که محصول علوم و تکنولوژی مدرن هستند راه‌حلی ارائه کنند، اما در مکتب فقهی شیعه نگاه نقادانه‌ای به مباحثی مانند علوم و تکنولوژی جدید وجود دارد و از نفی کلی و یا پذیرش کلی این مقولات احتراز می‌شود.

مکتب فقهی شیعه سعی دارد با رویکردی نقادانه و ارائه الگویی تهذیبی، پیشرفت‌های علمی-تکنولوژیک را مدیریت کرده و احکام را به‌گونه‌ای صادر کند که رفتار مکلفین در برخورد با این پیشرفت‌ها به سمت سعادت دنیوی و اخروی ایشان سامان یابد. به فقها توصیه می‌شود که به مباحث علمی-تکنولوژیک آشنایی کافی داشته باشند. شهید مطهری در این مورد می‌نویسد: «این دین، دین خاتم است و اختصاص به زمان معین و یا منطقه معین ندارد. مربوط به همه منطقه‌ها و همه زمان‌هاست. دینی است که برای نظام زندگی پیشرفت زندگی بشر آمده، پس چگونه ممکن است فقیهی از نظامات و جریان طبیعی بی‌خبر باشد، به تکامل و پیشرفت زندگی ایمان نداشته باشد و آن‌گاه بتواند دستورهای عالی و مرقی دین حنیف را که برای همین نظامات آمده و ضامن هدایت این جریان‌ها و تحولات و پیشرفت‌هاست کاملاً به‌طور صحیح استنباط کند» (مطهری، ۱۳۴۱، ص ۱۲۱).

نباید فراموش کرد که در فقه امامیه هر تغییری در فضای تکنولوژیک و یا در شرایط تاریخی-اجتماعی باعث به‌وجود آمدن یک مسئله مستحدثه نمی‌شود، بلکه تغییر باید از مقومات موضوع حکم باشد تا باعث تغییر حکم شود. برای نمونه استفتاحی از یکی از مراجع معاصر و پاسخ ایشان مزرع می‌شود: امروزه از نظر پزشکی، امکانات آزمایشگاهی و تجهیزاتی مانند سونوگرافی وجود دارد که در کوتاه‌ترین زمان می‌توان به‌طور قطع، یقین حاصل کرد که زنی در اثر هم‌بستری و نزدیکی باردار شده است یا خیر. با چنین فرضی آیا مدت عده همان است که قبلاً آورده شده یا قابل تغییر است و یا قابل تغییر نیست (گیلانی فومنی، ۱۴۲۸، ۲۴۲/۴). این حکم

تنها مختص به آقای بهجت نیست، بلکه دیگر مراجع نیز همین حکم را در این موضوع اعلام کرده‌اند. آقای بهجت نیز در مورد این مسئله فتوا داده است. می‌توان این موضوع را به روشنی درک کرد که هر تغییری در اوضاع و احوال جامعه و شرایط تاریخی-اجتماعی باعث تغییر در حکم یک موضوع نمی‌شود. به عبارت دیگر هرگونه تغییر در فضای تکنولوژیک و جهان بینی علمی بشر باعث به وجود آمدن موضوع جدیدی نمی‌شود که در نتیجه نیازمند حکم جدیدی هم باشد، بلکه تنها زمانی این تغییرات و دگرگونی‌ها موجب تبدل موضوع می‌شود که این تغییرات باعث تغییر یکی از مقومات موضوع حکم باشد و در نتیجه نیازمند حکم جدیدی خواهد بود.

۶. نتیجه‌گیری

مکتب فقهی امامیه به مدد گونه‌ای عقل‌ورزی در دوران غیبت که اجتهاد نام دارد این ظرفیت را در خود دارد تا نسبت به تغییرات و تحولات تاریخی-اجتماعی و شرایط زمانی-مکانی و دستاوردهای علمی-تکنولوژیکی منفعل نباشد، بلکه باید با یک رویکرد انتقادی و روشمند به مدیریت این فضا در راستای سعادت دنیا و آخرت بشر اقدام کند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: انتشارات امیرالمؤمنین.
۱. باقرزاده مشکى باف (۱۳۸۴). عناصر تعیین کننده در حل مسائل مستحدثه (۱). نشریه فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، شماره ۴۳، ۴۹-۱۰۶.
 ۲. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۸). وسائل الشیعه. قم: کتابفروشی اسلامی.
 ۳. سیدرضی (۱۳۸۵). نهج البلاغه. مترجم: دشتی، محمد. قم: نشر الهادی.
 ۴. شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰). الخلاف. بیروت: نشر دار الکتب الاسلامیه.
 ۵. صدر، سید محمدباقر (۱۳۷۵). اقتصادنا. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۶. صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۹). دروس فی علم الاصول (حلقه اولی). بی جا: نشر دار العلم.
 ۷. فلاح زاده، محمدحسین (۱۳۸۸). آموزش فقه. قم: نشر الهادی.
 ۸. قدیری، فرید (۱۳۶۷). بحثی پیرامون فتوای امام خمینی در رابطه با آلات موسیقی و شطرنج. نشریه پاسدار اسلام، سال هفتم، شماره ۸۳، ص ۱۰.
 ۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
 ۱۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: نشر مؤسسه الوفاء.
 ۱۱. مطهری، مرتضی (۱۳۴۱). ده گفتار. قم: نشر صدرا.
 ۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). اسلام و مقتضیات زمان. قم: نشر صدرا.
 ۱۳. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸). صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی). تهران: نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام).
 ۱۴. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۲). استفتائات (امام خمینی). قم: نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۱۵. موسوی خمینی، روح الله (۱۴۱۵). المکاسب المحرمه. تهران: نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام).